

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرين رضاعلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا

۳۳۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۴ آبان ۱۳۸۵، ۱۵ نوامبر ۲۰۰۶

سر دبیر: عبدال کلپریان
abdolgolparian@yahoo.com

تجمع کارگران شاهو در مقابل اداره تامین اجتماعی



روز سه شنبه ۲۳ آبان ۴۶ نفر از کارگران شاهو در سنجند در مقابل اداره تامین اجتماعی واقع در خیابان حسن آباد تجمع کردند. این تجمع اعتراضی از ساعت ۸ صبح آغاز و تا ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه ادامه داشت. ۲۴ نفر از این کارگران ۸ ماه است حقوق نگرفته اند و ۲۲ نفر از آنها ۴ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. نمایندگان کارگران با مسئولین اداره تامین اجتماعی، اداره کار، کارخانه شاهو، حراست، اطلاعات و نیروی انتظامی مذاکره کردند. مسئولین دولتی تلاش کردند که کارگران را با وعده و وعید به خانه بفرستند. کارگران با ادامه اعتراض خود آنها را وادار کردند که جوابی بدهند. اداره کار و تامین اجتماعی

ناچار با تهران تماس گرفتند و لیستی از کارگران برای دریافت حقوق به تهران مخابره کردند که از تاریخ ۱-۴-۱۳۸۵ باید حقوق دریافت کنند. در حالی که ۲۴ نفر از کارگران ۸ ماه حقوق معوقه دارند. این موضوع باعث اعتراض کارگران روبرو شد و اعلام کردند روز ۴ شنبه با پلاکارد و همراه خانواده هایشان اعتراض را به خیابان میکشند و به احمدی نژاد اعتراض خواهند کرد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از حمایت کارگران شاهو قاطعانه حمایت میکند و همه کارگران و مردم سنجند را به حمایت از کارگران شاهو فرا میخواند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آبان ۱۳۸۵ ۴ نوامبر ۲۰۰۶

چپ و سنت ناسیونالیستی مبارزه مسلحانه



عبدال کلپریان

سازمانهای محلی و سراسری با دولت مرکزی بوده است. همچنین چپی که امروز کردستان را موضوع دخیل دانستن خود میدانند، دلیل دیگر این امر است. بعد از انقلاب ۵۷ و بدنبال تهاجم رژیم به احزاب و سازمانهای سیاسی، کردستان بنا به موقعیت ویژه ای که داشت به مرکز فعالیت نیروهای سیاسی چپ در آن دوره تبدیل شده بود. پیشینه بعضی از این سازمانها در زمان شاه، اساسا متکی بر مبارزه مسلحانه چریکی و بصورت گروه و دسته های مسلح مخفی و بعضا مستقر در جنگلهای شمال بود. که همزمان با انقلاب ۵۷ علنی تر شد و با تهاجم جمهوری اسلامی، اغلب این سازمانها چه آنهایی که معتقد به مبارزه مسلحانه بودند و چه آنهایی که این اعتقاد را نداشتند، بعضی ها قبل و بعضی دیگر بعد از ۳۰ خرداد شصت به کردستان آمدند. در کردستان هم دو نیروی اصلی یعنی (کومه له بعنوان سازمانی چپ و توده ای و حزب دمکرات کردستان بعنوان حزبی ناسیونالیست و نماینده بورژوازی کرد) در کردستان فعالیت داشتند. این دو نیرو در کردستان، به یمن تصرف مراکز نظامی رژیم شاه توسط مردم قیام کننده، توانسته بودند نیازمندهای تسلیحاتی خود را برای مقابله با تهاجم رژیم و شروع

در نوشته قبل به طرح دو وجه از مسئله که عبارت بود از هسته های مسلح و مخفی شهری در شرایط کنونی و تسلیح توده ای در شرایط انقلابی اشاره مختصری کردم. بحث کنکرت تر و مشخص تر در این زمینه را به فرصتهای دیگری موکول می کنم. اما بنظر میرسد که کل این موضوع از يك كمبود رنج میبرد و آنهم عبارت است از يك نقد همه جانبه از سنتهای تاکنونی مبارزه مسلحانه ناسیونالیستی. این سنت از مبارزه مسلحانه تاکنون توانسته است اثرات مخرب و زیانباری بر عملکرد نیروهای چپ و بخصوص بر عرصه مبارزات و اعتراضات اجتماعی و کارگری برجای بگذارد. در این نقد تمرکز بیشتر من بر روی سنتهای مبارزه مسلحانه در کردستان است. به این دلیل که کردستان از بدو انقلاب ۵۷ به بعد تا دوره هایی، عرصه این رویارویی مسلحانه و با شرکت احزاب و

رادیو انترناسیونال به خانه های شما بر میگردد!

صفحه ۳

احکام زندان برای محمود صالحی و جلال حسینی
تعرض به جنبش کارگری است
این تعرض را باید در هم شکست

صفحه ۴

فراخوان جوانان آزادی خواه و برابری طلب سنجند علیه حضور احمدی نژاد

صفحه ۴

سفر احمدی نژاد به کردستان باید به یک رسوایی دیگر
برای رژیم اسلامی تبدیل شود

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

چپ و سنت ناسیونالیستی . . .

مبارزه مسلحانه، تهیه و تدارک ببینند. سیاست سرکوب تداوم انقلاب توسط رژیم جمهوری اسلامی در کردستان، نیروهای سیاسی آن دوره را که همگی تقریباً در کردستان مستقر شده بودند، بطرف دست بردن به يك مبارزه مسلحانه تحمیلی کشانید.

مسئله اینگونه نبود که گویا نیروهای سیاسی چپ آن دوره، يك برنامه مدون و روشن از پیش طراحی شده نظامی را در مقابل تهاجم رژیم و در راستای افق محدودی که داشتند، در دستور کار خود گذاشته اند. اگر این تهاجم نظامی حکومت در کردستان وجود نمی داشت و اتفاق نمی افتاد، قطعاً نیروهای سیاسی که خود را چپ می خواندند، به این عرصه کشیده نمیشدند. می رفتند و با درکی که آن دوره از کارگر و کمونیسم داشتند، همچنان در معابر و مراکز شهری و جلو کارخانه ها و دانشگاهها میزهای کتاب و کار تبلیغی شان را دایر می کردند. اینجاست که با تهاجم رژیم به احزاب، سازمانها و فعالین سیاسی، این وضعیت دگرگون می شود و بخش قابل ملاحظه ای از آنها به کردستان و به عرصه مبارزه مسلحانه با حکومت مرکزی، کشیده می شوند.

اکثر سازمانهای چپ آن دوره، فعالیت هایشان متکی بود بر يك سلسله از مبانی نظری، سیاسی در بررسی و تحلیل از مناسبات اقتصادی اجتماعی شرایط آن دوره ایران. از نیمه فتودال نیمه مستعمره خواندن جامعه گرفته تا جبهه خلق ضد امپریالیستی، بورژوازی خودی غیر خودی، نگرشهای مائوئیستی، مبارزه مسلحانه چریکی و غیره، اعتقاد و باور اکثر سازمانهای چپ بود. تز محاصره شهرها از طریق روستا، در همکشی با روش و سنت مبارزه مسلحانه ناسیونالیسم کرد که پرچمدار آن بود، با همدیگر تناقض چندانی نداشتند. بر بستر چنین تحلیلی از مناسبات اقتصادی اجتماعی چپ جهان سومی، راه مناسب و همواری برای این چپ، چه

بخش سراسری چه بخش محلی در کردستان در هضم کردن افق و مبارزه مسلحانه ناسیونالیسم کرد پدیدار می شود و تهاجم نظامی رژیم اسلامی هم به کردستان، جایگاه مبارزه مسلحانه نیروهای سیاسی را به این کارزار می کشاند و رقم می زند. تا جایی که به سنت مبارزه مسلحانه و افق سیاسی آن در کردستان برمی گردد، این مبارزه با استفاده از سنتهای ریشه دار احزاب ناسیونالیستی کرد و برخاسته از روستا شکل گرفته بود. گروه های متعدد چریکی بعضاً در شمال کشور نیز حیطه فعالیتشان در جنگلها و اگر توان قدری علنی شدن را داشتند در میان روستائیان ظاهر می شدند. افق و آمال این نیروها نیز تاریخاً خواست و مطالباتی تنگ، محدود محلی، ناسیونالیستی و عموم خلقی را نمایندگی میکرد. حتی اگر در زمان رژیم شاه اعتراض و یا حرکتی کارگری اتفاق می افتاد، برای سازمانهای چپ مخفی و چریکی و غیره، این جنس از مبارزه کوچکترین حساسیتی را در میان آنان بر نمی انگیزد. اکنون نیز این لاقیدی عملاً و در میان چپی که امید خود را فقط به مبارزه مسلحانه گره زده است، بر نمی انگیزد. برای چپ تکامل یافته ای که برنامه، سیاست و تبلیغاتش مزین یافته از اعتراض اجتماعی و کارگری است، عملاً و کماکان محدوده فعالیتش تا حدود زیادی از همین سنتها مایه می گیرد. این بدان معنا نیست که اگر در شرایط حاضر سازمان یا حزبی بخواهد با نقد این سنتها از روستا و اردوگاه کنده شود و در شهر به فعالیت مسلحانه بپردازد، گویا سنت مبارزه مسلحانه ناسیونالیسم را نقد کرده و انتخاب شهرزاد مقبولیت برخوردار است. چنین درک و چنین پراتیکی . نهایتاً نقدی فیزیکی و مکانیکی از گذار از خارج به داخل است آنهم با بهره وری از نیروی سازمانی.

پایین تر به مقوله شهر و اینکه معنای شهر برای حزبی کمونیستی کارگری چه مفهومی دارد اشاره

خواهم کرد. به ادامه موضوع می پردازم. از بدو استقرار این سازمانها در مناطق آزاد کردستان، از آنجا که این نیروها فاقد سنت مبارزه مسلحانه مختص به خود و فاقد سیاستی روشن در این زمینه بودند، به تبعیت از سنت دارترین سازمان مسلح آن دوره یعنی اتحادیه میهنی کردستان عراق، روش و سنتهای اتحادیه میهنی در مبارزه مسلحانه را بعنوان الگوی خود قرار دادند و چنانکه دیدیم، از سنتهای تا آن زمان ناسیونالیسم کرد در جنبش ناسیونالیستی کردستان عراق، در مبارزه مسلحانه شان تبعیت می کنند. یکی از برجسته ترین خصوصیات و سنتهای احزاب ناسیونالیست کرد، لاقیدی و تحقیر تئوری و بیگانه بودن با کار سیاسی اجتماعی در میان توده های مردم از يك سو و از سوی دیگر میدان دار بودن سنتها و استراتژی مبارزاتی شان یعنی (کیش و تقدس پیشمرگ، مبارزه مسلحانه همه چیز و غیره که سنت و میراث جنبش دیگری است) ، بر روی احزاب و سازمانهای چپ آن دوره نیز تاثیر خود را می گذارد. از سازمانهای چپ ضد امپریالیستی جهان سومی در سطح سراسری گرفته تا سازمانهای چپ در کردستان، مبارزه مسلحانه خود را بر بستر سنتهای احزاب ناسیونالیست در کردستان، به پیش می برند. روش و سنتهای مبارزه مسلحانه این احزاب بر گرفته و کپی برداری شده از اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق و حزب دمکرات کردستان ایران است. پایه های مادی و اجتماعی ناسیونالیسم کرد، مرکب از مالکان و ثروتمندان مناطق روستایی و در کوه و کمر های کردستان است. سازمانهای چپ ایرانی هم در چنین فضایی به مبارزه مسلحانه، برقراری مقر و پایگاه و سازماندهی نیروهای مسلح خویش در روستاها و مناطق نسبتاً آزاد آن دوره می پردازند. یکی از تناقضاتی که دامنگیر فعالیت نیروهای مسلح چپ می گردد این است که بخاطر حفظ خدمات تدارکاتی پشت جبهه ای خود یعنی تامین نیازهایشان از جانب مردم روستاها، در اغلب موارد ناچار به تبعیت و کرنش در

مقابل عقب مانده ترین تفکرات روستایی می شوند. چرا که مردم به پیشمرگان نان میدهند تا آنها هم بتوانند بجنگند. بعضاً چپ مسلح، از اعمال حاکمیت از بالا بر سر مردم در روستاها که یکی از سنتهای پایدار ناسیونالیسم کرد است، در امان نمی ماند. عرصه های دیگری از فعالیتهای این چپ که از نگرش و درک کمونیستی اش نشأت میگرفت، همچنان با سنتهای میدان دار ناسیونالیسم در زمینه های گوناگون در تناقض قرار میگرفت. که اشاره به تک تک آنها از حوصله این نوشته خارج است.

مبارزه مسلحانه این چپ در کردستان که اکنون افت و روکودی بیش از يك دهه را با خود دارد، کماکان و در موارد زیادی از همان روش و سنتهایی پیروی می کند که اتحادیه میهنی و دیگر احزاب ناسیونالیست کرد بنیانگذار آن بودند. در اینجا این نکته لازم به ذکر است که طی دوره های مختلفی بهبودهایی در مبارزه مسلحانه، افق و روشهای کار کومه له که مهمترین جریان چپ و کمونیستی آن دوره بود بوجود آمد. قصدم در اینجا پرداختن به این بهبودهای تدریجی که در کومه له بوجود می آمد نیست. برای آشنایی با این تغییرات، خواننده را رجوع میدهم به مبانی اساسی در نقد این نوع از فعالیت مسلحانه وافق و دورنمای آن که در کنگره ششم کومه له توسط منصور حکمت ارائه شد. علا رغم متفاوتهایی که در مقابل این نقدها صورت میگرفت، اما جهت گیری و افق جدیدی را در مقابل این سازمان ترسیم میکرد. رجوع شود به نوشته های (درباره فعالیت حزب در کردستان و نوشته مبارزه مسلحانه در کردستان از منصور حکمت)

جنبه دیگر مسئله این است که در سنت کار و فعالیت ناسیونالیسم در کردستان، مبارزه مسلحانه یعنی همه چیز، یعنی تمام استراتژی حزب یا سازمان. با توجه به پایه های ریشه دار این سنت، جایی برای مبارزه اقتصادی و سیاسی در شهر باقی نمی ماند و قاعدتاً برای این سنت، شهر از هیچگونه موضوعیتی برخوردار نیست. نیروهای ناسیونالیست در کردستان،

تاریخاً هیچگونه برنامه ای که در آن از مبارزات اقتصادی و سیاسی در شهرها سخنی گفته باشند نداشته و ندارند. در سنت مبارزه ناسیونالیسم، مبارزه مسلحانه، سراپا و از بیخ و بن، کل جنبش این سازمانها را تشکیل می دهد و پایه های اجتماعی آن هم چنانکه گفته شد، در روستا قرار می گیرد. این پدیده نیز بر چپی که به مبارزه مسلحانه امید بسته اثر خود را بجا گذاشته است.

در سنتهای رایج و تاکنونی مبارزه مسلحانه ناسیونالیسم و تداوم آن در میان جریاناتی که خود را کمونیست می دانند (حتی اگر تردید و شکی در کمونیست بودنشان به هر روایتی، نباشد) نیروی مسلح شان، به بدنه اصلی این احزاب و سازمانها تبدیل می شود و آن عرصه ای که خود را بدان منتسب می کنند یعنی مبارزات سیاسی اجتماعی و جایگاه اعتراضات اجتماعی و کارگری به حاشیه رانده می شود.

یکی دیگر از تناقضات اصلی این چپ در کردستان در تعریفی بوده که از خود بدست داده است. این چپ از تشکلهای کارگری از سازمانیابی توده ای و . . . حرف میزند اما هنوز نمیتواند این تناقض را پاسخ دهد که با روش و سنتهای مبارزه مسلحانه احزاب سنت دار ناسیونالیستی و اشکال جدیدی که اکنون خود در دستور گذاشته است، نمی توان تشکلهای توده ای کارگری را سازمان داد. این یکی از آن تناقضات پایه ای چپ در کردستان بوده که مداوماً آنرا با خود يدك کشیده است. در گذشته سازمان چپی که می خواست نگاه خود را معطوف به شهر کند، اندک امکان تشکیلاتی هم که در شهر، سوخت و ساز خود را داشت، توسط این نیروی مسلح که ماموریت داخل شهری داشت، امکان و فعال تشکیلاتی اش به سرویس دهنده تبدیل می شد و به تدریج مورد تهاجم رژیم نیز قرار می گرفت.

فعالیت نظامی برای سنت ناسیونالیستی، امری است در خدمت بدست آوردن موقعیتی برتر برای این احزاب. قرار است از دریچه تفنگ و از بالای سر مردم

از صفحه ۲

چپ و سنت ناسیونالیستی . . .

خود را به حاکمیت مرکزی تحمیل و امتیازات ویژه محلی را از آن خود کند. مردم از پایین در این مبارزه که بنام منافع آنها نام گذاری شده، کوچکترین نقشی در تعیین این روند را ندارند. بر این اساس پروسه تاریخ مبارزه مسلحانه اتحادیه میهنی در کردستان عراق و حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر سازمانهایی از این نوع برای دست یابی به این اهداف سیاسی، عبارت بوده است از جنگ و مذاکره. نمونه های برجسته ای از جنگها و بعد از آن نشستن بر سر میز مذاکره و بلعکس، در سنت مبارزه مسلحانه احزاب ناسیونالیست کرد بسیار موجود است.

و کوه به داخل شهر بکشاند. چنین درکی سطحی از مبارزه مسلحانه همان درک و نگرش چپ سنتی و سازمانهای چریکی است که در ابتدای این نوشته بدان اشاره ای گذرا کردم. چریک فدایی قبل از انقلاب ۵۷ همین ساست و روش را داشت. توجیه گر این سبک و سیاست هم این بود که می گفتند با سرو صدا کردن مسلحانه در داخل شهر باید روحیه توده ها را بالا ببریم.

دورانی سازمان مجاهدین با خانه های مخفی مسلح خویشت، ضربات و لطمات قابل توجهی را به اعتراض و مبارزه روزمره واقعی و علنی مردم در جامعه وارد کرد.

قبل و بعد از کنگره ششم در کومه له، نقدی که منصور حکمت از فعالیت کومه له در کردستان داشت این بود که شهر به معنا و مفهوم وجود هر روزه مبارزه اجتماعی و اعتراضات کارگری باید مورد توجه ما قرار بگیرد و به مثابه سازمان و حزبی کمونیستی باید هدف و تلاش ما تقویت، هدایت و رهبری این اعتراضات باشد نه اینکه نیروی مسلح را فیزیکی به داخل شهر بفرستی تا مانور دهد.

متأسفانه هنوز این درک دارد به حیات خود ادامه می دهد. نقد روش و سنتهای مبارزه مسلحانه احزاب ناسیونالیست در کوه و روستا، این نیست که چند نفر با تفنگهایشان برای پخش اعلامیه در شهر دقایقی ابراز وجود علنی کنند. این روش از کار درکی بغایت سطحی و مکانیکی از نقد سنت مبارزه مسلحانه ناسیونالیسم در کردستان است.

حزب سیاسی و کمونیستی که امر خود را انقلاب اجتماعی تعریف کرده باشد، نمی تواند از این سنتها و در این راستا پاسخ اوضاع و شرایطی را که در آن درگیر است بدهد. یک سازمان کمونیستی که سازماندهی اعتراضات اجتماعی در شهرها را هدف خود قرار داده باشد، نمی

تواند و قادر نیست تهاجم رژیم و کارفرما ها به سطح معیشت و دستمزد کارگران را توسط نیروی مسلح پاسخ دهد.

با توجه با آنچه که تاکنون گفته شد، در شرایط فعلی و برای یک جریان کمونیستی کارگری، نیروی مسلح و مبارزه مسلحانه نباید امروز در اولویت باشد. میدان دار کردن چنین پتانسیلی توسط هر حزب و سازمانی که بنام کمونیست و چپ در کردستان می خواهد ظاهر شود، اقدامی در جهت به عقب نشاندن مبارزات و اعتراضات اجتماعی، کارگری است که روزانه در جامعه ایران و خصوصاً در کردستان در جریان است. به نظر من حضور هر تفنگ بدستی در میان مردم در چنین شرایطی، به فال نیک گرفتن آن از طرف رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود. تا بدینوسیه تهاجم خود به جنبش اعتراض اجتماعی مردم را گسترش دهد.

واقعیت این است که با ظاهر شدن هر تک نفری با یک تپانچه در حاشیه هر شهری (آنهم درست در شرایطی که مردم و خود کارگران در قلب شهرها و در مراکز تولیدی دارند مبارزه و اعتراض عینی و واقعی خود را به جلو می برند)، تا بتواند چند اعلامیه پخش کند، خواسته یا ناخواسته، تعرضات اعتراضی موجود در جامعه را می خواهد دور بزند و به این شیوه اعلام می کند، همه چیز در لوله تفنگ خلاصه می شود و با این سبک، سنت و روش می خواهد بگوید مردم کنار بروید چون ما هستیم. این یعنی خاک پاشیدن در چشم اعتصاب و اعتراضات کارگری و مبارزات حی و حاضر و موجود در شهرها. نقدی که امروز به مبارزه مسلحانه در هر شکل و قامتی است از این روست. ما بطور کنکرت از ضرورت تشکیل هسته های مسلح و مخفی شهری در شرایط کنونی صحبت میکنیم. آنهم هسته هایی سازمان یافته از فعالینی معین و بدون هیچ گونه ابراز وجود مسلحانه.

* * *

**رادیو انترناسیونال
به خانه های شما بر میگردد!**

رادیو انترناسیونال؛ صدای کارگران، صدای آزادیخواهان، صدای جنبش آزادی و برابری مجدداً آغاز بکار میکند!

رادیو انترناسیونال یک رادیوی مستقل است، به هیچ دولت و خبرگزاری رسمی متعلق نیست. رادیویی متعهد به حقیقت و مردم. رادیو انترناسیونال رادیویی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در این رادیو از تحلیل گران و صاحب نظران در این عرصه ها، از شخصیت های سیاسی و اجتماعی دعوت میکنیم تا با شما صحبت کنند. شما را با اهداف و سیاستها و برنامه های احزاب و گروههای سیاسی و نهادهای مختلفی که به نحوی از انحاء فعالیتی در رابطه با مردم ایران میکنند، آشنا میکنیم.

به اطلاع میرسانیم که از روز **جمعه ۲۴ نوامبر ۲۰۰۶ برابر با ۳ آذر ۱۳۸۵** رادیو انترناسیونال مجدداً برنامه هایش را آغاز میکند!

برنامه های رادیو انترناسیونال هر شب ساعت ۹ به وقت تهران روی طول موج ۴۹ متر برابر با ۶۲۲۵ کیلوهرتز آغاز خواهد شد!

شما از ۳ آذر ۱۳۸۵ میتوانید برنامه های رادیو انترناسیونال را هر شب ساعت ۹ به وقت تهران بشنوید. لطفاً طول موج و ساعت پخش رادیو انترناسیونال را به اطلاع عموم برسانید!

خبر آغاز بکار مجدد رادیو انترناسیونال را وسیعاً و به طرق مختلف در شهرهای مختلف ایران به اطلاع همه دوستان و آشنایانتان برسانید! رادیو انترناسیونال همزمان با ایران در اروپا نیز شنیده میشود.

نظرات و پیشنهادات و همچنین نحوه دریافت و کیفیت صدای رادیو انترناسیونال را به ما اطلاع دهید.

شماره تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۰۶۵۶۳۶۲

شماره پیامگیر: ۰۰۴۶۸۶۵۹۰۷۵۵

جمعه ۳ آذر ۱۳۸۵ - ساعت ۹ شب تهران
طول موج ۴۹ متر برابر با ۶۲۲۵ کیلوهرتز

**مدیر رادیو انترناسیونال،
سپاوش دانشور
۷ نوامبر ۲۰۰۶**

سفر احمدی نژاد به کردستان باید به یک رسوایی دیگر برای رژیم اسلامی تبدیل شود

احمدی نژاد و دیگر تیر خلاص زندهای همکارش قرار است روز چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۵ به کردستان بیایند. طبق اخباری که ایرنا مخابره کرده است رئیس دولت جنایتکاران روز چهارشنبه به استان کردستان می‌آید. از مدتها قبل این خبر را غیر مستقیم پخش کردند که فضای شهرهای کردستان را بسنجند. اکنون با نظامی کردن بیش از پیش شهرهای کردستان می‌خواهند امکان سفری درد سری برای این قاتلین

مهیا کنند. مردم کردستان از روز اول سر کار آمدن رژیم اسلامی نفرت و انزجار خود را علیه این حکومت نشان داده اند. مبارزات و شعار سرنگونی این حکومت از جانب مردم کردستان به قدمت طول عمر این رژیم است. اکنون که خبر سفر این قاتلین مردم، به کردستان رسماً اعلام شده است مردم باید يك بار دیگر با تمام قدرت در مقابل این جانپیان بایستند. باید درسی به این جنایتکاران داد که از تصمیم خود

کردن کردستان به پادگان و میدان جنگ با مردم می‌خواهد قدرت خود را به نمایش بگذارد. مردم کردستان و جمهوری اسلامی ۲۷ سال است که در مقابل همدیگر صف آرایی کرده اند. نباید اجازه بدهیم این جانپیان امکان قدرتمندی پیدا کنند. "دیدار" مردم کردستان و عوامل جمهوری اسلامی در طول ۲۷ سال گذشته در زندانها و میدانهای اعدام و جنگ اتفاق افتاده است. اکنون هم هر روزه ما شاهد دستگیری، شکنجه و شلیک این جانپیان به مردم هستیم. جمهوری اسلامی میدانند که مردم کردستان مترصد فرصتی هستند که کل این دم و دستگاه را به زیر بکشند. اکنون فرصتی است که

يك بار دیگر مردم با اقدامات خود نشان دهند که با دشمنانشان چه برخوردی میکنند. قاتلین عزیزان ما نه تنها جای در میان مردم ندارند بلکه باید به جرم جنایتهایشان محاکمه شوند. این جانپیان باید رسوا شوند. با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی باید از آنها استقبال کرد. باید شعار مرگ بر جمهوری اسلامی بر تمام در و دیوار و خیابان شهر ها نقش ببندد و تعرض به مامورین رژیم اسلامی آنها را از این تصمیم پشیمان کند.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آبان ۱۳۸۵**

فراخوان جوانان آزادی خواه و برابری طلب سندج علیه حضور احمدی نژاد

مردم شریف و ازادخواه شهر سرخ سندج، کارگران، زنان، مادران، پدران، جوانان، دانشجویان، دانش آموزان! احمدی نژاد این تیر خلاص زن، قرار است فردا چهارشنبه ۲۴ آبان، به سندج بیاید. احمدی نژاد نه تنها نماینده ما مردم کردستان و ایران نیست، بلکه برای سرکوب جریان آزادی خواهی و برابری طلبی،

سرکوب جنبشهای مردمی، کارگری، دانشجویی و زنان به ریاست جمهوری اسلامی منصوب شده است. از زمان روی کار آمدن این فاشیست، سرکوب زنان و کارگران، دستگیری فعالین کارگری و دانشجویی و... شدت بیشتری گرفته است. او مسئول مستقیم جنایات رژیم اسلامی است. او حافظ منافع سرمایه و نظام سرمایه داری است،

تجمعی را به نمایش بگذارد و چنین وانمود کند که مردم از از این تیر خلاص زن استقبال کرده اند. ما نباید اجازه چنین کاری را بدهیم. باید استقبال از این فاشیست را به يك مراسم رسوایی برای همه سردمداران رژیم اسلامی تبدیل کنیم. نباید اجازه دهیم از فرزندانمان استفاده ابزاری کنند! مردم شریف سندج، کارگران، زنان، مادران، پدران، جوانان، دانشجویان! جوانان آزادی خواه و

برابری طلب سندج شما را دعوت می کند که مراسم این جنایتکاران را رسوا کنید. کسی نباید در این مراسم شرکت کند. يك بار دیگر ثابت کنیم که این رژیم و دستگاه حکومتی متوحش و متحجرش را نمی خواهیم و باید گورشان را گم کنند.

**مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری
سوسیالیستی
جوانان آزادی خواه و
برابری طلب سندج
۲۲ آبان ۱۳۸۵**

احکام زندان برای محمود صالحی و جلال حسینی تعرض به جنبش کارگری است



بیدادگاه رژیم اسلامی در شهر سقز محمود صالحی و جلال حسینی را به زندان محکوم کرده است. بر اساس تصمیم این دادگاه فرمایشی محمود صالحی به ۴ سال و جلال حسینی به ۲ سال زندان محکوم شده

حقوق پایه ای خود و همکارانشان بوده است. برگزاری مراسم غیر دولتی و مستقل روز جهانی کارگر حق بی چون و چرای همه کارگران است. اما به همین دلیل رژیم اسلامی این کارگران را به زندان محکوم کرده است. احکام صادره بدون قید و شرط باید لغو شوند. از هفت نفر دستگیر شدگان سقز سه نفر به اسامی هادی تنومند، اسماعیل خوشکام و محمد عبیدی پور تبرئه شده اند. اتهامات و احکام صادره علیه محمود صالحی، جلال

حسینی، محسن حکیمی و برهان دیوارگری پایه و اساس است و باید مورد اعتراض جهانی قرار گیرد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و فعالین و تشکلهای کارگری در ایران را فرامیخواند که در حمایت از فعالین کارگری سقز به میدان بیایند. با صدور قطعنامه و بیانیه و دیگر اقدامات لازم جنبش کارگری و مردم آزادیخواه در ایران باید این تعرض رژیم سرمایه داران را به شکست بکشاند. ما از همه اتحادیه های کارگری در سراسر جهان می‌خواهیم که این احکام ضد کارگری رژیم اسلامی را محکوم و خواهان لغو آن

باشوند. - احکام صادره علیه فعالین کارگری سقز محکوم است و باید بدون قید و شرط لغو شوند. - اتهامات رژیم اسلامی علیه این فعالین باید پس گرفته شوند. - برپایی تجمع، اعتراض، اعتصاب و تشکل از حقوق پایه ای کارگران است و باید به رسمیت شناخته شوند. - هر نوع ممانعت و محدودیت برای این حقوق پایه ای کارگران باید با مقابله کل جنبش کارگری جواب بگیرد.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آبان ۱۳۸۵**

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!